

نامزد اختصاصی یا ائتلاف سیاسی در انتخابات



کیومرث اشترینان

در هر انتخاباتی مسئله اصلی برای احزاب این است که سهمی از قدرت کسب کنند و در انتخابات پیروز شوند یا اینکه از قِبَلِ انتخابات بتوانند سرمایه سیاسی خود را در جامعه، و نه در قدرت، تقویت کنند؟ بسته به پاسخ، استراتژی شما برای مشارکت در انتخابات مشخص می‌شود.
انتخابات برای گروه‌های سیاسی چالشی است بین ویژگی‌های فردی-حزبی نامزدها و ائتلاف سیاسی. از این رو، یک گروه سیاسی دو گزینه دارد: یا باید نامزدی «اختصاصی» داشته باشد؛ یا اینکه از روی ناچاری به ائتلاف تن در دهد. این گزینه‌ها چالشی برای شناسایی سرمایه اجتماعی واقعی اوست. از آنجا که اغلب احزاب سیاسی در ایران احزاب روشنفکری طبقه متوسط هستند، معمولاً در انتخاب نامزدهای خود در می‌مانند و در نهایت نمی‌توانند پایگاه اجتماعی شفافتری را برای خود ساماندهی کنند. در تاریخ ایران قدرت قبیله‌ای مبنایی برای کسب قدرت سیاسی بوده است، می‌توان گفت که در غیاب سازوکارهای مدرن مبارزه سیاسی، این قبیله بوده است که به مثابه یک حزب قومی عمل می‌کرده و قدرت سیاسی فائقه را در ایران تشکیل می‌داده است. بنابراین سنت سیاسی در ایران مبتنی بر حذف قبایل دیگر (حذف احزاب دیگر) بوده است. اگرچه این سنت تا ابتدای دولت پهلوی ادامه داشته است، اما پیکار سیاسی مستظهر به توده مردم در انتخابات(های) پس از انقلاب سبب شد تا دوباره گرایشات قبیله‌ای سر برآورد. در حوزه روستایی و طبقه حاشیه شهری، معنا و مبنای قدرت از کف جامعه برمی‌خیزد، از این رو آن دسته از گرایشات سیاسی که با واسطه نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد یا نهادهای شبه‌نظامی مرتبط با روستا به این «مخزن مولد قدرت توده‌ای» دسترسی دارند، می‌توانند آرا را به نفع خود سامان دهند. اینکه تا چه حد احزابی مانند کارگزاران یا اتحاد ملت توانسته باشند با نقب‌زدن به لایه‌های زیرین جامعه ایرانی به چنین مخزنی رسیده و به آن دسترسی داشته باشند، اطلاعی در دست نیست. بعید است که تلاشی درخور در این زمینه رخ داده باشد. جای سیاست حزبی در روستا و قبیله خالی است و امکان آن هم ظاهراً وجود نداشته است. شاید یکی از دلایل شگفت‌زده‌شدن اصلاح‌طلبان از برخی از نتایج انتخابات‌های ملی همین باشد. چون تلاش‌های انتخاباتی خود را وقف طبقه متوسط شهری کرده‌اند که به سختی رأی می‌دهد، به سختی متقاعد می‌شود و همواره متکثر و متفرق است.

اگر هدف یک حزب این باشد که بخواهد سرمایه سیاسی خود را شفاف کند و پایگاه ثابت و تعریف‌شده‌ای را برای خود تعیین کند، ناچار است تنها یک نماینده اختصاصی معرفی کند، از ائتلاف چشم ببوشد و خطر ردصلاحیت نامزدش را به جان بخرد تا بر صفحه سیاست، صورت نگار انجمن استغنا شود. اما اگر هدف، سهیم‌شدن در قدرت باشد، باید از فرصت تشکیل سرمایه سیاسی اختصاصی خویش چشم ببوشد. همواره احزاب در این چالش تناقض‌نما گرفتارند. «حزب اتحاد» یا «حزب کارگزاران» یک نمونه روشن است. این احزاب اگر بخواهند وزن واقعی خود را رقم بزنند، باید بر نامزد اختصاصی خویش تمرکز کنند اما، از آنجا که سیاست عرصه امکانات است، این توجیه فراهم می‌شود که به ائتلاف بپیوندند و با این گزاره‌های استدلالی به سراغ کاندیدایها بروند: «سابقه نامزد مهم نیست. مهم این است که در گذار سالیان چقدر تغییر کرده است؟ اکنون چقدر به هم نزدیکیم؟ چقدر می‌تواند منویات ما را به پیش ببرد؟ چقدر می‌تواند منافع ملی را پوشش دهد؟». اگر از نامزدی غیر از نامزد اختصاصی خود حمایت کنند، بدان معناست که پایگاه سیاسی خود را به ویژگی‌ها و شهرت فرد دیگری ببوند زده‌اند و طفیلی «فرد مشهور و مقبول» می‌شوند و در کرده دیگری و ناکرده خویش پاسخ‌گو خواهند بود. مسئله برای ایان از آن رو بغرنج‌تر می‌شود که علی‌رغم آنکه نامزد ائتلافی‌شان پیروز شود، نه «اجازه» شرکت در قدرت دارند و نه ضرورتاً افکار و آمال‌شان در قدرت به پیش می‌رود؛ حداکثر دلخوشی آنان به این است که «وضع بدتر نشده است». همین امکان‌سنجی‌ها و یا علاقه به شرکت در قدرت و کسب مقام سیاسی است که احزاب را وادار به ائتلاف می‌کند.

یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۳
۲۴ ذی‌القعدة ۱۴۴۵
۲ ژانویه ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۴۷
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

رحلت امام خمینی (ره) را تسلیت می‌گوییم

در «شرق» امروز می‌خوانید: طحان نظیف در پاسخ به سؤال «شرق»: مشارکت برای شورای نگهبان مهم است • استقبال اسرائیل و حماس از «نقشه راه» بایدن برای توقف جنگ؛ فرصتی برای آتش بس

نگاهی به وزن‌کشی‌های درون‌گروهی و تقابل‌های میان‌گروهی در بین جریان‌های سیاسی و ارزیابی مدل انتخاباتی ریاست‌جمهوری چهاردهم

ترافیک احساس تکلیف

گزارش تیتربک‌را درصفحه ۲ بخوانید

گزارشی از سومین روز ثبت‌نام کاندیداهای چهاردهمین ریاست‌جمهوری در وزارت کشور

حقانیان آمد، برق پرید

گزارش رادرفصفحه ۲ بخوانید.عکس:سهن‌دناکی، شرق



این گزارش رادرفصفحه ۲ بخوانید.عکس:سهن‌دناکی، شرق

یادداشت

سازمان رأی



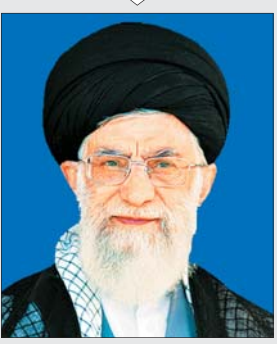
مهرداداحمدی‌شیخانی

نداشتند، بلکه می‌توان از آن با مفهومی غیرسیاسی و تصویری از زندگی و به‌واقع اجتماعی یاد کرد. برای نمونه، راهیابی فردی از شهرستان کرج که در افواه او را شبیه یکی از خوانندگان پیش از انقلاب می‌دانستند یا رأی درخورتوجه خانمی از تهران که با کمترین تبلیغات، آن‌هم به‌شدت محدود و فقط اطراف دانشگاه تهران، بدون هیچ پشتیبانی مشخصی، تا آستانه ورود به مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، غیر از این در شهرهای دیگر و به‌ویژه شهرهای بزرگ هم از این نوع خبرها می‌رسید که کسانی، یا رأی لازم برای ورود به مجلس را کسب کرده بودند یا در آستانه ورود به مجلس متوقف شده بودند که حرف و حدیث‌هایی نیز درباره این توقف‌ها و عاقبت‌شان شنیده می‌شد که هر طور بود، گذشت. باوجوداین آنچه اتفاق افتاد، فقط نوک قله کوه یخی بود که می‌شد دید و همه کوه یخ، خود را در انتخابات سال ۷۶ به نمایش گذاشت، کوه یخی که اگر بررسی درستی انجام می‌گرفت، قبل از دوم خرداد هم می‌شد به وجود آن پی برد ولی هرچه بود، همه گروه‌های سیاسی آن ایام، چه به قصد و چه بدون قصد از مشاهده آن غافل ماندند و این غفلت سبب شد که انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ همه را غافلگیر کند، به طوری که برندگان و بازندگان آن انتخابات، برای نتایج حاصله آماده نباشند.

اما آنچه لازم است به آن اشاره شود، تکرار این غافلگیری در سال‌های ۸۸ و ۹۲ بود ولی مهم‌ترین غافلگیری اینها نبود. من بر این گمانم که مهم‌ترین غافلگیری در انتخابات شوروی شهر دوم رخ داد؛ انتخاباتی که شاید بتوان آن را آزادترین انتخابات پس از انقلاب مشروطه دانست ولی

سخنرانی رهبر انقلاب در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی

۲



برگزیده‌ها



پرسپولیس برای نهمین بار قهرمان لیگ برتر شد

جام نفسگیر سرخ

نبود تعادل توان صنعتی در مکانیسم تولید برق، به وزارت کشور و زمان ثبت‌نام کاندیدها رسید

ناترازی برق در فاطمی

۲ سال از حمله سایبری به سامانه‌های شهرداری گذشت

جعبه سیاه هک

باز نشد

با مخالفت مجمع تشخیص مصلحت نظام با مصوبه افزایش تعطیلات آخر هفته

تعطیلی شبیه‌ها در محاق

۲

یادداشت

دولت چهاردهم و مأموریت

در حوزه اقتصاد



ناصرذاکری

کارشناس اقتصادی

حادثه غم‌باری که در بعدازظهر سی‌ام اردیبهشت برای رئیس دولت سیزدهم و همراهان ایشان اتفاق افتاد، برگزاری انتخابات پیش از موعد ریاست‌جمهوری را به کشورمان تحمیل کرد. به‌این‌ترتیب دولت چهاردهم یک سال زودتر از زمان مقرر زمام امور را به دست خواهد گرفت. طبعاً یکی از مهم‌ترین وظایف این دولت ساماندهی اقتصاد است. درواقع امروزه همه دولت‌ها در سرتاسر جهان ارتقای سطح زندگی شهروندان را وظیفه اصلی خود تلقی می‌کنند. به‌ویژه در ایران امروز به دلیل بروز دشواری‌های اقتصادی سال‌های اخیر، انجام درست این وظیفه از اهمیت بیشتری برخوردار است. اقتصاد ایران در چند سال گذشته شرایط رکودی سختی را تحمل کرده است. دشواری‌هایی که در مسیر تعامل با اقتصاد جهان وجود داشته، موجب کاهش فرصت‌های شغلی، کاهش درآمدها و در مقابل تشدید تورم و افزایش سریع هزینه‌های خانوارها شده است. اما رویه تلخ ماجرای رکود مزمن اقتصادی این است که آثار منفی آن به نابرابرترین شکل ممکن در بین دهک‌های درآمدی توزیع شده است. دولت چهاردهم باید نگاه ویژه‌ای به اقتصاد داشته باشد و با درایت و تدبیر در مسیر درمان بیماری اقتصاد کشور کام بردارد. به باور نگارنده، دولت می‌تواند با شروع حرکت خود از چهار حوزه زیر دوران تصدی خود را با اثربخشی بیشتر آغاز کند:

۱-تورم

سال‌هاست که اقتصاد ما گرفتار بیماری تورم دورقمی است. که منتهی به رشد سریع ابعاد فقر شده است. تورم در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از تشدید تحریم‌های ظالمانه رو به افزایش گذاشته است به طوری که از ۱۲ درصد در سال ۹۴ به ۴۱ درصد در سال گذشته رسید.

^[1] و کسب مقام سیاسی است که احزاب را وادار به ائتلاف می‌کند

^[2] و کسب مقام سیاسی است که احزاب را وادار به ائتلاف می‌کند